

به نام خدا

خطبه های نماز جمعه: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸

خطیب نماز جمعه: آیت الله امامی کاشانی

خطبه اول:

السلامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَحْمَدُهُ وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَشْكُرُهُ وَ نَعُوذُ بِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا وَ نَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ
قَالَ اللَّهُ الْعَظِيمِ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: "وَ ذَكَّرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ"
(سوره ی مبارکه ابراهیم/ آیه کریمه ۵)

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيَّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ ناصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.

فرا رسیدن ۲۲ بهمن که از ایام الله است به تمام انسان های حق دوست و حق شناس خاصه امت اسلام و بالخاصه به ملت ایران و عزیزان تبریک و تهنیت عرض می کنم.

۲۲ بهمن یک حادثه ای بود که در تاریخ رخ داد که این حادثه باید عرض کنم اهداف انبیاء و اولیاء را تحقق بخشید در تاریخ بشریت.

یک بحثی است به عنوان فلسفه ی تاریخ، فلسفه ی تاریخ یعنی تاریخ را بخوانید و از تاریخ پند بگیرید و آینده را براساس گذشته، معتبر کنید، استوار کنید، تنظیم کنید، برنامه ریزی کنید آینده را براساس اطلاعات تاریخی گذشته، این نکته به معنای فلسفه ی تاریخ است یعنی تاریخ نگاه کردن و آینده را رسیدگی کردن و بر آن اصولی را استوار نمودن، این فلسفه ی تاریخ است. در کنار فلسفه ی تاریخ یک بحث دیگر است به نام جبر تاریخ.

جبر تاریخ نه منظور بنده جبر تاریخ کمونیست هاست آنها یک حرفی غلط می گویند به عنوان اقتصاد که غلط آنها هم بعداً بر دنیا روشن شد. منظورم از جبر تاریخ یعنی حوادثی که در تاریخ رخ می دهد و سنت خداست و قانون خداست. خُب حالا این "وَ ذَكَّرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ" چه مطلبی را بیان می کند،

می‌فرماید: "وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ" یعنی نعمت‌های خدا، آزمایش‌های خدا، نعمت‌های خدا، آن چیزهایی که خدا متعال برای بشر براساس یک سلسله کارها و حوادث قرار می‌دهد اگر خیر است، نعمت است و اگر شرّ است، نعمت است. قرآن کریم هم به همین نکته در جاهای مختلف اشاره می‌کند که این چنین است تاریخ.

حالا بریم سراغ اینکه تاریخ قبل از ۲۲ بهمن چه بود، در کشور چه می‌گذشت، در کشورهای عربی چه می‌گذشت، در کشورهای اسلامی چی بود و اگر انقلاب نبود الان آمریکا و صهیونیست سلطه بر جهان اسلام داشت و کلاً همین کشور به نام ایران روشش، راهش، نظامش در سیاست، در اقتصاد، در فرهنگ، در اخلاق همه آمریکایی و صهیونیستی بود اگر نبود ۲۲ بهمن.

حالا به عنوان نمونه چند کلمه عرض می‌کنم کلمه اول بعد سیاسی است. آمدند جمع شدند به عنوان سازمان ملل و شورای امنیت، مرکب از چند تن و گفتند فلسطین باید بر دو بخش بشه، بخشی عربی، بخشی یهودی. فلسطین را تقسیم کردند بعد هم به ایران گفتند: ایران و یهودی باهم هستند، ایران و یهود برادرند. این را هم به ایران گفتند و این برادری که به ایران گفتند یعنی ایران برادری می‌کرد، ایران خواسته‌ی یهود و صهیونیست را عمل می‌کرد این کاملاً در ابعاد مختلف مشخص شد، از همین که بحث‌هایی که مطرح کردند به عنوان این که یهود و صهیونیست و ایران برادر باشند و فلسطین دو بخش بشه، در کشور مرحوم آیت الله سیّد ابوالقاسم کاشانی (رضوان الله علیه) ایستاد. او شخصیتی بود آیت الله کاشانی، در برابر استعمار، در برابر استثمار، اولین کاری که شاه کرد این بود که آیت الله کاشانی را به لبنان تبعید کرد بعد از تبعید زمینه را در کشور برای مقاصدش آرام و مهیا کرد. آن از نظر سیاسی بود که سفری که بنده موفق بودم در همان زمان‌ها به مکه مشرف شدم در مسجد الحرام مسلمانان مختلف از کشورهای مختلف بودند و صحبت می‌کردند، فهمیدند بنده ایرانی هستم به من گفتند: "ایرانی آخُ الیهود، ایران آخُ الیهود" گفتم: چرا آخُ الیهود؟ چطور ما برادر یهودیم؟ گفتند: "برای اینکه یهودیان، صهیونیسم‌ها می‌خواستند بمباران کنند کشورهای عربی را، بنزین نداشتند، می‌آمدند آسمان ایران در جایی فرود می‌آمدند هواپیماهای جنگی بنزین گیری می‌کرد، بر سر ما می‌ریخت" چون آن زمان اتحادیه عرب بود و اسرائیل هم مطرح کرده بود از نیل تا فرات، البته هدف بیش از نیل و فرات بود، بر نیل تا فرات که به اصطلاح تسلط پیدا می‌کردند به نقاط دیگر هم می‌رفتند، من نتوانستم جوابی بدهم، دیدم بله راست می‌گویند هواپیماها در ایران به این صورت بود و از طرفی هم در مسائل اقتصادی یهود و صهیونیست از بنزین ایران، از نفت ایران استفاده می‌کرد هم

در اقتصاد خودش، هم در ماشین جنگی خودش استفاده می‌کرد علاوه بر این استفاده از ایران از نظر اقتصاد، چون به شاه می‌گفتند، او هم که نوکری بود در برابر آمریکا.

از نظر اقتصاد آنچنان که تاریخ نشان می‌دهد، فلسطین را که دو بخش کردند، بخشی صهیونیست هیچ نداشت. گندم ایران را می‌گرفت، برنج از ایران می‌گرفت، مرغ، تخم مرغ، تمام وسایل زندگی از ایران می‌رفت، در برابر به ایران چه می‌دادند؟ نفت را می‌گرفتند، پول نفت را که داده بود ایران، پول نفت را می‌دادند در مقابل این اشیائی که از ایران صادر می‌شد یعنی ایران یک کشور خودکفا بود، بستگی‌اش به نفت بسیار کم بود ولی از همان زمان شروع کردند ایران را برعکس کنند یعنی به جای اینکه صادرات غذا داشته باشد، صادراتی به کشورها داشته باشد برعکس کردند یعنی از یک طرف تولید گوسفند و حیواناتی که غذای مردم بود از بین بردند؛ گوسفندان را کشتند، گوسفندان مادر همه را سوزن زدند، گفتند: مریض هستند کشتند و تمام شد بعد گوشت را گفتند از خارج بیاورند. گوشت از خارج می‌آوردند و نفت را هم می‌گرفتند و پول نفت می‌دادند در برابر همین یعنی ایران می‌گرفت و همین پول را به آنها برمی‌گرداند این هم از نظر اقتصاد بود. آمدند تقسیم عراضی کردند که کشاورزی را از بین ببرند و بردند و هنوز هم آثارش هست. این هم از نظر اقتصادی، به طوری که ایران یک زمانی کم‌گذشت محتاج شد به خارج، محتاج شد در همین غذا و همه چیزش محتاج به خارج از کشور و همین صهیونیست و آمریکا.

از نظر علمی و فرهنگی یک قصه ای عرض کنم، این قصه برای دانشجویان عزیز و برای اساتید دانشگاه های کشور درس که آدم تاریخ را ببیند، ببیند چه بود؟ ۲۲ بهمن چه کرد، نه در ایران، در کشورهای دیگر، یعنی اگر نبود ۲۲ بهمن، همین بلایی که بر سر ایران آورده بودند، بر سر کشورهای اسلامی دیگر هم می‌آوردند، همینطور که الان برنامه دارند ولی به لطف خدا در همه ی برنامه هایشان همین آمریکای جانی که اگر اراده می‌کرد، هر کار بشود انجام می‌شد الان در یک یک از تصمیماتش به بن بست می‌رسد به شکر خدا.

اینکه عرض می‌کنم اساتید دانشگاه و دانشجویان عزیز توجه کنند که چه بود دانشگاه و چه شد، یک قصه ی کوتاه عرض کنم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اساتید مدرسه عالی شهید مطهری همان سپهسالار خب می‌آمدند و جمع می‌شدند در دفتر بنده و صحبت می‌شد. از جمله یک روز محیط طباطبایی که از اساتید مدرسه بود، حضور داشت. این قصه را نقل کرد، گفت " قرار بود از انگلیس عده ای بیایند به ایران یا از آمریکا البته اینجا تردید از بنده است. بعد دربار گفته بود که باید عده ای

از استاد‌های دانشگاه به استقبالشان بروید، به ما گفتند باید بروید، به که و که نام برد آقای محیط طباطبایی نام برد گفت این اساتید همه از پیرمردان و معمرین و افراد وزین دانشگاه بودند، گفت باید بروید. ما هم حرکت کردیم در فلان ساعت، گفتند مهمان‌ها می‌آیند، زمستان هم بود، هوا هم سرد بود، به فرودگاه رفتیم کسی نبود، نه هواپیمایی نشسته بود، نه از وزارت خارجه و دربار کسی آمده بود، یک ساعتی ما در سرما ماندیم تا بالاخره رسیدند، تا هواپیما خواست بشیند بعد ماشین‌های از دربار و از وزارت خارجه آمدند، جمع شدند آنجا، مهمان‌ها آمدند، فقط آن کسی که مسئول بود به مهمان‌ها گفت که این آقایان اساتید دانشگاه تهران هستند همین. آنها هم به ما یک نگاهی کردند و بعد گفتند بفرمایید اینها نشستند تو ماشین، حرکت کردند. خود ایرانی‌ها از دربار و وزارت خارجه هم به همراهشون در ماشین‌ها نشستند و حرکت کردند. یک ماشین نبود، یک آدم دیگر نبود، توی همین سرما ما ایستاده بودیم بالاخره تاکسی گرفتیم و برگشتیم به منزلمان بعد می‌گفت این دوستان ما محیط طباطبایی می‌گفت: این دوستان ما از اساتید می‌گفتند می‌دانید که ما در این کشور چقدر ارزش داریم؟ ما اساتید دانشگاه در برابر سگ آمریکا، در برابر سگ انگلیس هم ارزش نداریم، برای اینکه برای آنها اینقدر ارزش قائلند برای ما هیچ اهمیت نمیدهند فقط ما را آوردند که پز بدهند و بگویند ما اساتید داریم بعد هم همینجور ما را ول کرد این وضع دانشگاه بود.

آن بود که اصلاً نمی‌گذاشتند که صنعت در دانشگاه‌ها وارد بشود حالا امروز استاد دانشگاه با چه عزتی است، دانشجو با چه عزتی است بعد رشته‌های مختلف فنی و علمی در چه پایه‌ای است و چقدر عظمت پیدا کرده ایران از نظر همین تکنولوژی و علم و دانشگاه، این هم از نظر فرهنگی اما یک جمله هم از نظر فرهنگ دینی عرض کنم؛ فرهنگ دینی هم حوزه‌های علمیه را تعطیل کردند، طلاب و عمامه‌شان را برداشتند، علماء حق اقامه داشتن نداشتند، روزه‌ها را ممنوع کردند، حجاب را کشف حجاب کردند. این برنامه دشمن بود برای ایران، عرض کردم نه ایران، بعد از ایران سراغ کشورهای دیگر هم می‌آمدند، همانطوری که ۲۲ بهمن در ایران چنین نوری افکند و چنین خورشید درخشید، همین نور در کشورهای دیگر هم رفت. الان کشورهای اسلامی هم مگر آنها که خیلی بی‌ارزش هستند و خیلی به اصطلاح نوکر هستند و بدبخت هستند مثل سعودی و اینها تمکین کنند و آلا متن ملت‌های مسلمان الان در برابر صهیونیسم و در برابر آمریکا ایستاده اند.

این چند جمله بود به عنوان خلاصه ولی چون آیام صدیقه کبری (سلام الله علیها) است بنده به عنوان تعظیم در برابر این آیام یک حدیثی هم از صدیقه کبری (صلوات الله علیها) نقل می‌کنم و آن

حدیث این است که آمد مردی خدمت صدیقه کبری (سلام الله علیها) عرض کرد: آیا هَل تَرَكَ أَبُوكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عِنْدَكَ شَيْئاً؟ چیزی پیش تو گذاشته به من بگویی تا من طوق کنم به گردنم بیاندازم و عمل کنم؟ حضرت زهرا (سلام الله علیها) سه جمله فرمود: اول بروید به آن چیزی که به درخت به اصطلاح به شاخه ای می نوشتند گفت برای من جریده را بیاورید، آوردند بعد از روی آن خواند که پیغمبر اکرم چنین فرمود، فرمود که "لَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَمْ يَأْمَنَ جَارَهُ بَوَائِقَهُ" مؤمن نیست کسی که همسایه ای او از شر او آسوده نباشد این مؤمن نیست بعد فرمود که و مؤمن نیست کسی که "يُؤْذِي جَارَهُ" همسایه اش را اذیت کند، این یک مطلب.

مطلب دوم فرمود که "مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتْ" اگر کسی به خدا ایمان دارد، به قیامت ایمان دارد یا خیر بگوید یا سکوت کند یا حرف پاکیزه بگوید یا سکوت کند کسی اگر مؤمن بود باید چنین باشد "خَيْرًا أَوْ يَسْكُتْ"

کلمه سوم فرمود: "إِنَّ اللَّهَ يُبْقِضُ الْفَاحِشَ الضَّانِينَ" پروردگار دشمن دارد کسی که فحش بدهد و "بذاء" باشد بذاء یعنی بد زبان بشد، بذاء یعنی بد دهن باشد، حرفهای زشت از دهانش خارج بشود. فرمود: خدای متعال دشمن دارد چنین آدمی را، "إِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ" حیا از ایمان هست "وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ" ایمان در بهشت است "وَأَنَّ الْفُحْشَ مِنَ الْبِذَاءِ، وَالْبِذَاءُ فِي النَّارِ" فحش بذاء است حرف زشت است و این جایش در جهنم است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خودم و عزیزان را به ورع و تقوا توصیه می کنم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى إِمَامِ الْخَلَائِقِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَعَلَى كُوْتَرِ الرَّسُولِ، الزَّهْرَاءِ الْبَتُولِ وَعَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلَى بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ قَائِمِ الْعَسْكَرِي.

خودم و عزیزان را به ورع و تقوا توصیه می‌کنم. عرض کردیم در خطبه‌ی اول ایام الله را باید ببینیم چه مهم هست و این ۲۲ بهمن چه نقش بزرگی دارد حالا براساس این دو مطلب را در خطبه‌ی دوم عرض می‌کنم؛

مطلب اول - پیاده روی و آن حرکتی است که ۲۲ بهمن در تمام کشور وجود دارد این همه نعمت این همه عظمت واقعاً آن چنان ارزش دارد که می‌شود گفت: هر کس در خانه اش ۲۲ بهمن بنشیند و بتواند حرکت کند و حرکت نکرده واقعاً جفا کرده است، به ۲۲ بهمن جفا کرده است، به انسانیت و تاریخ انسانیت جفا کرده است، به تحولی که در تاریخ شد یعنی نگذاشت گردن‌کشان دنیا به هدف برسند، آمریکا و صهیونیست در همان چاهی که کنده بودند همان جا سقوط کردند. این چیزی بود که ۲۲ بهمن به وجود آورد، ۲۲ بهمن آنچنان قیمت دارد و ارزش دارد که واقعاً باید گفت ارزش آن را هیچ کس در زیر این آسمان نمی‌تواند محاسبه کند جز شخص وجود مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هزاران هزار رحمت خدا بر امام خمینی (أعلى الله مقامه) و بر شهیدانی که در این راه جان باختند و فداکاری کردند. این ۲۲ بهمن از اهمیت بالایی برخوردار است در کنار ۲۲ بهمن عرض کنم که چهلم سپهبد شهید و عزیز و بزرگ حاج قاسم سلیمانی (أعلى الله مقامه) است. ایشان هم یک مقامی بودند که از همین سفره برداشتند و از این سفره ایمان و عمل صالح به این نقطه عظمت رسیدند. نقطه‌ای از عظمت که دشمن مثل افسران رشید آمریکا که در خبرها هم آمده نظامیان آمریکا می‌گویند: اگر ما مثل سردار سلیمانی ارتش آمریکا داشت خیلی برایش ارزش داشت انقدر از تاکتیک بالا و از شجاعت بالا تعریف و توصیف دشمن دارد می‌کند این که به اینجا رسید جمله است در قرآن کریم می‌فرماید: "إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ" کلمه طیب یعنی اعتقاد، اعتقاد به آسمان می‌رود "إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ" به آسمان می‌رود "وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ" عمل صالح هم او را می‌زند بالا. زبیرش هی می‌زند و می‌بردش به سمت آسمان ها تا اعماق آسمان ها می‌برد عمل صالح. چی را؟ آن عقیده را، آن عقیده را این عقیده در همین سردار عزیز و شهیدمان وجود داشت به این عظمت که الآن بسیاری از کشورهای غرب آسیا می‌گویند که امنیت ما

مدیون شهید سردار سلیمانی است. این قدر که حضرت آیت الله سیستانی (دامه برکاتّه) به رهبر معظم انقلاب (دامه ظلّه) وقتی تلگراف تسلیت می‌زنند به همین جمله اشاره می‌کنند و می‌گویند که او در خدماتی که کرد به عراق در برابر داعش خدمات بی نظیر و فراموش ناشدنی است. این جور تجلیل می‌کند از این سردار (رحمت خدا بر او) او هم مؤمن بود و هم عملش عمل صالح بود.

از همین جا وارد بحث دومم بشوم به طور خلاصه و آن مجلس شورای اسلامی است. مجلس شورای اسلامی مولود این همه فداکاری هاست بنابراین اهمیت دادن مجلس، پای صندوق آمدن به همه‌ی کسانی که واجد شرایط رأی دادن هستند که همین طوری که رهبر عزیزمان (دامه ظلّه) توصیه فرمودند در همان فرمایشات پریروزشان آمدن پای صندوق ها این اهمیت دادن به امنیت کشور است. این به معنای این است که کشور را بیمه می‌کند دشمن به این جمعیت نگاه می‌کند اینکه این جور مردم با هر عقیده و با هر سلیقه ای که داشتند آمدند همه پای صندوق های رأی بنابراین احترام گذاشتن به روز رأی گیری و حضور در پای صندوق ها این از آثار توجّه به ۲۲ بهمن است و یک دین کوچکی ادا کردن به امام و شهدا و آن همه فداکاری هاست این عظمت ایران و کیان ایران به همین جهت که جمعیت ها همه حرکت کنند و دشمن میهوت بشود و دشمن ببیند که چه کاری در برابر این می‌کند. کاری هم نمی‌کند دشمن، دشمن الآن جز این که دارد دست و پا می‌زند در لجن های خودش کاری بلد نیست.

همین طرح به قول خودشان "معامله قرن" این طرحی است که جز لجن آن ها را در دنیا متعفن تر کند، چیزی دیگر نیست. عجیب است یک مشت دشمن غارتگر، یک مشت دزد بریزند خانه‌ی یک مشت مردم بی پناه فلسطین خانه هایشان را از دستشان بگیرند، زندگی را از دستشان بگیرند بعد بگویند بیااید حالا همه‌مان با هم تقسیم کنیم همه‌مان بخوریم ساکنان خانه هم هیچ بروند بعد هم اسمش را بگذارند "معامله قرن" این جز رسوایی جز اینکه یک مردمی هستند همین دشمنان ما بسیار دون و ناکس چه آمریکا چه صهیونیست چیز دیگر نیست که دنیا افتضاح آن ها را و بدبختی آن ها در همین پیشنهادها، در همین حرف ها بیش از پیش درک می‌کند و می‌رسد و البته مجلس اجازه بفرمایید وقت کم شود.

مجلس همان طوری که رهبر عزیزمان (دامه ظلّه) فرمودند: نمایندگانی باید باشند رأی بدهند به نمایندگانی مؤمن، مؤمن به خدا، مؤمن به مملکت، مؤمن به این همه شهید، مؤمن به پدران و مادران و همسران شهیدان، مؤمن به این که کشور باید غنی باشد، فقر نباشد، مؤمن در باید کشور باید صالح

باشد، فساد نباشد، بی قانونی نباشد، مؤمن به همه‌ی این‌ها مؤمن و در برابر دشمن شجاع و جدی و چابک و پر کار.

نماینده باید دلسوز باشد، دلش برای کشور و مردم بسوزد کلاً نظام ما، نظام ما که از سه قوه‌ی مجریه و مقننه و قضائیه و بلکه قوه چهارم مجمع تشخیص برخوردار است تمام این کارها را تحت عنوان قانون. از بیکاری بترسیم، از سهل انگاری بترسیم، از اینکه روزی باید جواب تمام این حرف‌ها را داد مقام در پیشگاه خدا مسئولیت دارد، مسئولیت دارد دلش بسوزد آدم برای مردم. چه کار بکند اقتصاد راه بیافتد؟ چه کار کند این گرانی تمام بشود؟ چه کار کند که کسی تخلف نکند؟ خلاف کاری نکند در دنیای قرن الآن خلاف و خلافتکاری اگر قانون نباشد اگر ضابطه نباشد بیش از کشورهای اسلامی و ایران است. مردمی درست ندارد، فاسد هستند ولی قانون جلویشان را می‌گیرد.

فکر کنند با کسانی که اهل فکر هستند، جلسات بگذارند جلسه‌های شبانه روزی و وکیل جلسه بودن، وزیر بودن، مدیر بودن، قاضی بودن در یک صندلی قرار گرفتن آن صندلی که این همه شهیدان و این همه فداکاری‌ها بوده است این خیلی سنگین است. بار بار سنگینی است هم برای رأی دهندگان که به چنین کسانی که واجد شرایط هستند رأی بدهند هم برای آنان که رأی آورده‌اند در هر حال اینجا هم یک حدیثی عرض کنم و آن حدیث شریف این است.

این روزگار مشکل ما عزیزان، این گرفتاری ما عزیزان، در روایات مفصل مطرح شده است. در روایات ما آخر الزمان آمده است که چه گرفتاری مردم خواهند داشت. در چه ناامیدی خواهند بود که در آن ناامیدی است که یک مرتبه خورشید درخشان وجود اقدس مهدی موعود (أرواحنا له الفداء) طلوع می‌کند.

حدیث سندش معتبر است حدیث صحیحی است که نقل می‌کند از ابن محبوب از ابن الحسن الرضا (علیه السلام) امام رضا (صلوات الله علیه) که ما همه مدیون او هستیم. قَالَ لِي ابْنُ مَحْبُوبٍ مِيْ گوید امام هشتم فرمود: "لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلِمٍ" روزگاری بیاید فتنه‌ای باشد که فتنه‌ای باشد چیزی را اصلاً نفهمد یعنی فتنه‌ای باشد سنگین "صَيْلِمٍ" بسیار سخت "يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَّانَةٍ وَ وَلِيَجَهٍ" دوستان از همه جدا شوند، رفقا از هم جدا بشوند علیه یکدیگر حرف بزنند و بهم بریزند و گرفتاری ایجاد کنند، هر بطانه‌ای و ولیجه‌ای و دوست و آشنائی، آشنائی و دوستیشان تبدیل به حسادت بشود، تبدیل به دشمنی بشود این روزگار خواهد آمد. "عِنْدَ فِقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّلَاثِ مِنْ وُلْدِي" امام

هشتم فرمود: این روزگار سخت وقتی خواهد آمد که سومین فرزند من در غیبت به سر ببرد "یَبْکِی عَلَیْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ" بر امام عسکری که پدر اوست آسمان و زمین برشهادت او گریه می‌کند بعد می‌فرماید: وَ أَمَّا "بِأَبِي وَ أُمِّي سَمِيَّ جَدِّي شَبِيهِي وَ شَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ" و پدر و مادرم به فدای آن سومین فرزندم که شبیه جد من است و شبیه موسی بن عمران است "عَلَيْهِ جُيُوبُ الثُّورِ" بر او نور اطراف او را گرفته "تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ" این نور هی درخشان تر می‌شود به روشنی عالم غیب بعد می‌فرماید: "كَمْ مِنْ حَرَّى مُؤْمِنَةٍ" بسیار زنان داغدار که در قلبشان می‌سوزد "وَ كَمْ مِنْ حَرَّى مُؤْمِنَةٍ وَ كَمْ مُؤْمِنٍ حَيْرَانَ" هم زن دلسوز؛ هم مرد دلسوز حالا دلسوز شاید هم اشاره به همان مادران و پدران و همسران شهدا باشد شاید "حَزِينٍ عِنْدَ فِقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ" چه بسیار محزون هستند محزون هستند "كَأَنِّي بِهِمْ آيِسٌ مَا كَانُوا" من می‌بینم امام رضا می‌فرمایند که این ها مایوس ترین هستند در تاریخ یعنی در تاریخ بشریت یأس و ناامیدی مثل آخرالزمان نیست که مردم آنچنان گرفتار هستند و فرجی نیست "نُودُوا نِدَاءً يَسْمَعُ مَنْ بَعْدَ" در اینجا یک مرتبه ندائی می‌شنوند "يَا أَهْلَ الْعَالَمِ بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ" آن وقت است که..

خدایا به محمد و آل محمد این روز را هر چه زودتر به ما برسان و ما را به این روز و خدمت آن بزرگوار و حضرت توفیق مرحمت بفرما. ما اکنون که در انتظاریم خدایا به همه‌ی ما مخصوصاً مسئولان ما در کشور در هر رده ای هستند این توفیق را بده که آن ها خدمت کنند به نظام اسلامی خدمت کنند. خدایا به مردم ما به آنان که سرمایه دارند، ثروت دارند این بیداری و هوشیاری را مرحمت کن که به یاد روز امام عصر باشند و در کشور سرمایه گذاری کنند و خدمت کنند و مملکت را از گرفتاری و بیکاری نجات بدهند.

"أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكُوفَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ أَنْحَرِ إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ"

پروردگارا به محمد و آل محمد گناهان ما را بریز. فرج امام عصر (أرواحنا له الفداء) را برسان. دشمنان را نابود فرما و توطئه ها را به خودشان برگردان. پروردگارا کشورهای اسلامی فلسطین و نقاط دیگر را در سایه‌ی امام عصر (أرواحنا له الفداء) حفظ بفرما. خدایا ملت ایران نظام جمهوری اسلامی و پرچمدار این نظام و ممالک اسلامی در سایه‌ی امام عصر (أرواحنا له الفداء) با اقتدار بیشتر بدار. پروردگارا امام شهدا و شهدا و سپهبد عزیز شهید سلیمانی و آن کسانی که در حادثه‌ی هواپیما به

شهادت رسیدند یعنی جوانان عزیز ما که برای تحصیل به خارج از کشور رفته بودند که درس بخوانند
روزی به این کشور بیایند و به این کشور خدمت کنند و از دست رفتند خدایا همه را ببخش و بیامرز.
رحمتت را بر همه نازل بفرما وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ